





**دانشگاه علامه طباطبائی**

**دانشکده ادبیات فارسی و زبان های خارجی**

**گروه زبان و ادبیات فارسی**

**پایان نامه:**

**جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد**

**در رشته زبان و ادبیات فارسی**

**بررسی و تحلیل مضامین عرفانی در اسرارنامه و منطق الطیر عطار**

**استاد راهنما:**

**دکتر سید رضا مصطفوی**

**استاد مشاور:**

**دکتر محمد حسن حائری**

**پژوهشگر:**

**مأئده شکفت**

**شهریور ۸۹**

فرم گردآوری اطلاعات پایان نامه ها  
کتابخانه مرکزی دانشگاه علامه طباطبائی

عنوان: بررسی و تحلیل مضامین عرفانی در اسرارنامه و منطق الطیر عطار		
نویسنده / محقق: مائده شکفت		
مترجم: -----		
استاد راهنما: دکتر سیدرضا مصطفوی	استاد مشاور: دکتر محمد حسن حائری	
استاد داور: دکتر عباسعلی وفایی		
کتابنامه: دارد	واژه نامه: ندارد	
نوع پایان نامه: <input checked="" type="checkbox"/> بنیادی <input type="checkbox"/> توسعه ای <input type="checkbox"/> کاربردی		
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	سال تحصیلی: ۱۳۸۷	
محل تحصیل: تهران	نام دانشگاه: علامه طباطبائی	دانشگاه: ادبیات و زبان های خارجی
تعداد صفحات: ۳۰۱	گروه آموزشی: زبان و ادبیات فارسی	
کلید واژه ها به زبان فارسی: عطار ، عرفان ، منطق الطیر ، اسرارنامه ، اصطلاحات عرفانی		
کلید واژه ها به زبان فارسی: Attar , mysticism , Mantlk al- tayar , Asrarnameh , mystical terms.		

## چکیده

### الف. موضوع و طرح مسئله (اهمیت موضوع و هدف) :

مسئله مهم در این پژوهش این است که اولاً تعابیر و اصطلاحات عرفانی چگونه تعریف می شوند و در این دو کتاب چه تعریفی دارند و چگونه به یکدیگر مرتبط و تحلیل می شوند و سرانجام نتیجه تحلیل چیست. از آنجا که شخص عارف در معرض تجربه اشراقی است او به رمز و راز سخن می گوید که در مقوله مفاهیم و الفاظ داخل نمی شود پس بنابراین لازم است با مفاهیم و اصطلاحات عرفانی آشنا بود و هدف مهم تر از این تحقیق این است که از آنجا که مقصود و خلاصه از جملگی آفرینش انسان است و هدف از آفرینش انسان معرفت نفس و نهایت خدا می باشد.

### ب. مبانی نظری شامل مرور مختصری از منابع ، چارچوب نظری و پرسشها و فرضیه ها :

این پژوهش بر اساس همین دو کتاب (منطق الطیر و اسرارنامه) بنا نهاده شده ولی از منابع مختلف و متنوعی بهره گرفته شده است. با توجه به شروع عرفان از قرن دوم و سیر طبیعی آن در قرن هفتم شاهد شکوفایی یکی از بزرگترین عارفان به نام عطار هستیم. او آثار بسیاری بعد از خود باقی گذاشته که همگی آنها به ویژه این دو کتاب از کمال و پختگی لازم برخوردار است و مضامین عرفانی در لابه لای این دو کتاب فراوان بکار رفته است.

### پ. روش تحقیق شامل تعریف مفاهیم ، روش تحقیق ، جامعه مورد تحقیق، نمونه گیری و روشهای نمونه گیری ، ابزار اندازه گیری ، نحوه اجرای آن ، شیوه گردآوری و تجزیه و تحلیل داده ها :

در نگارش این پایان نامه از روش کتابخانه ای استفاده شده است. ابتدا تمامی اصطلاحات با توجه به منابعی که این اصطلاحات را توضیح داده اند استخراج و مرحله بعد فیش برداری و سرانجام تعریف شدند. و در نهایت به تحلیل آنها با توجه به دو کتاب مذکور پرداخته شد.

### ت. یافته های تحقیق :

از جمله یافته هایی که در این تحقیق می توان بدان اشاره کرد کمال و پختگی و کاربرد بسیار بجا و مناسب این مضامین عرفانی در این دو کتاب بود که عطار برای توضیح سخن خود از آنها استفاده نموده است.

### ث. نتیجه گیری و پیشنهادات :

شعر عطار نماینده یکی از مراحل تکامل شعر عرفانی است. اگر چه با داشتن دیوان شمس و مثنوی مولوی می توان خود را از دیگر کتب عرفانی منظوم بی نیاز دانست ولی با این وجود آنگاه که خواستار تأمل در شکل گیری و پیدایش این دو کتاب هستیم از پرداختن به آثار عطار به ویژه منطق الطیر ناگزیر هستیم.

صحت اطلاعات مندرج در این فرم بر اساس محتوای پایان نامه و ضوابط مندرج در فرم را گواهی می نمایم.

نام استاد راهنما :

سمت علمی :

نام دانشکده :

رئیس کتابخانه :

## یادداشت اول :

حمد بی حد و ثنای بی عد پادشاهی را که وجود هر  
موجود نتیجه جود اوست. آن خداوندی که از بدیع  
فطرت و صنیع حکمت به قلم کرم ، نقوش نفوس را  
بر صحیفه عدم رقم فرمود و آب حیات معرفت را  
در ظلمات خلیقت بشریت تعبیه کرد. (نجم رازی، مقدمه)

**تقدیم به:**

**مادر عزیزم**

**که الهه صبر است و اسطوره مهربانی و تنها بهانه بودنم.**

**و**

**پدر بزرگوارم**

**که بارنج و زحمت بی حد خود موجبات سعادت من را فراهم نمود.**

## سپاس نامه

بعد از حمد خدای تعالی ، سپاس و ستایش عمیق و بی شائبه خود را نثار پدر و مادر عزیزم می نمایم. ایشان که در راه کسب درجات عالی در زندگیم سختی های فراوانی کشیده اند.

در ذیل مراتب سپاس و امتنانم را تقدیم حضور این عزیزان می نمایم :

از کلیه مسئولین محترم دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی دانشگاه علامه طباطبایی به ویژه ریاست محترم دانشکده ادبیات جناب آقای دکتر وفائی که کار قضاوت این پایان نامه را بر عهده گرفتند و همچنین مدیریت محترم گروه ادبیات فارسی جناب آقای دکتر مستعلی پارسا و اساتید و کارگزاران محترم گروه کمال تشکر و سپاس را دارم.

همچنین از محضر استادان گرامی و ارجمندم آقایان دکتر مصطفوی و دکتر حائری که استادان راهنما و مشاوره بنده در این پژوهش بوده و با راهنمایی های روشنگرانه خود اینجانب را یاری نمودند تشکر می نمایم.

و نیز شایسته است از تمامی اساتید ارجمندم که نهایت محبت را در دوره تحصیلم بر من داشتند کمال سپاس و تقدیر را نمایم.

در ضمن از همکاری های دانشگاه های تربیت معلم و شهید بهشتی از جهت ایجاد فرصت برای انجام تحقیقات، اساتید، محققان و مولفان کتاب های درسی ، مرکز تحقیقات و دیگر موسسات پژوهشی و کتابخانه ملی که در جمع آوری اطلاعات با آنها ارتباط داشته تشکر و قدردانی می نمایم. و از برادر خوبم آقای حمید شگفت که کار تایپ و تدوین این پایان نامه را انجام نمودند کمال سپاس را دارم.

**و در خاتمه از تمامی دوستان و افرادی که مرا در انجام این پایان نامه یاری نمودند قلباً تشکر می نمایم.**

## فهرست مطالب

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
	چکیده
	پیشگفتار
۱	مقدمه
۱۱	<b>فصل اول : کلیات</b>
۱۲	۱-۱-۱- عرفان
۲۱	۱-۱-۲- در بیان اعتقادات عارفان
۲۶	۱-۲-۱- عطار
۳۵	۱-۲-۲- اندیشهٔ عطار
۴۴	۱-۲-۳- عقل و فلسفه از نظرگاه عطار
۶۸	۱-۲-۴- ابوسعید از نگاه عطار
۷۵	۱-۲-۵- درونساخت انواع ادبی
۸۰	۱-۳-۱- منطق الطیر
۹۹	۱-۳-۲- ویژگی های سیمرغ
۱۰۷	۱-۴- اسرارنامه
۱۱۲	<b>فصل دوم: تعریف و تحلیل مضامین عرفانی در منطق الطیر و اسرارنامه</b>
۲۹۸	نتیجه گیری
۳۰۰	فهرست منابع



## معرفی اصطلاحات عرفانی این دو کتاب بر اساس حروف الفبا

آز	انس	تن	خرد	سرّ	غیرت
آزادی	اولیا	توبه	خرقه	سفر	فقر
ابلیس	اهل دل	توحید	خشم	سماع	فنا
اتحاد	ایثار	توفیق	خلوت	شوق	قبض
اثبات	ایمان	توکل	خواب	شهوت	قرب
احد	بحر	جان	خوف	شیخ	قلندر
اختیار	بخل	جذبه	خیال	صبر	قناعت
اخلاص	بسط	جلال	دانش	صحبت	محو
اخلع نعلیک	بعد	جمع	درد	صدق	مرگ
ادب	بقا	جمع الجمع	دعا	صوفی	معرفت
ادراک	بلا	چله	دل	طاعت	معشوق
ازل	بلی	حادث	دلّ	طامات	مقام
استغراق	بندگی	حال	دین	طریقت	ملامت
استغفار	بهشت	حج	ذکر	طلب	منی
استغنا	بی خبری	حجاب	ذوق	عارف	نفس
اسرار	بی خودی	حرص	راز	عاشق	نیستی
اشارت	پیر	حسد	رجا	عدم	واقعه
اشتیاق	تجرید	حسن	رضا	عزّت	وجد
اشک	تجلّی	حضور	رند	عشق	وجود
اغیار	تحیّر	حق	روح	عقل	وحدت
افلاس	ترسا	حقیقت	ریا	علم	وسواس
آلّا	تسلیم	حلم	ریاضت	علم لدنی	وصل
الست	تفرید	حیات	زلف	عنایت	هجر
امانت	تفکّر	حیرت	زناّر	عین الیقین	همّت
امتحان	تقدیر	خاموشی	زهد	غم	هیبت
انالحق	تقوی	خانقاه	سالک	غیب	یقین

## چکیده

معرفت نفس، همواره دل مشغولی جدی اهل اندیشه و سیر بوده است. به همین منظور عرفان با هدف نیل به حقیقت و معرفت به عنوان یک علم در فرهنگ اسلامی زاده شد. روشن است عرفان همانند هر علم و معرفت دیگری اصطلاحات مخصوص به خود را دارد که برای پی بردن به فهم مطالب آن علم لازم است با اصطلاحات آن آشنا بود. عرفا، به عنوان عالمان علم عرفان این اصطلاحات را بسیار در آثار خود به کار گرفته اند. یکی از اکابر عرفا در قرن هفتم عطار نیشابوری است. او آثار شاهکاری از خود به یادگار گذاشته است. از مهمترین آثار وی منطق الطیر است که مجموعه ای از نکات عرفانی و حکمی است. اسرارنامه نیز یکی دیگر از آثار اوست که پیرامون تصوف است. در این پژوهش نگارنده برآن است تا ضمن معرفی این اصطلاحات عرفانی به تحلیل آنها در این دو اثر بپردازد.

## کلمات کلیدی

عطار نیشابوری ، عرفان ، منطق الطیر ، اسرارنامه و اصطلاحات عرفانی.

## پیشگفتار

بدون شک کلام انسان نسخه خود حقیقی خود اوست. عرفا که خلاصه و عصاره روح زمانه خود بودند به گونه ای که از گفته های آنها بر می آید بدون تردید با منبع حقیقی معانی به نحوی ارتباط داشته اند وگرنه گفتن اسرار عشق و عرفان از انسان های عادی متصور نمی شود.

یکی از این عارفان بزرگ شهیر کسی نمی باشد جز شیخ فریدالدین عطار نیشابوری. میراث اندیشه عارفان به ویژه عطار و مولوی، بالاترین میراث معنوی تبار انسان در جهان بینی عرفانی است. نگارنده از دیرباز همیشه در جستجوی دقیقه ای بوده است تا با فراز از قیل و قال بازار معاش به سوی دریای جان روم و خوشه چین از خرمن ارباب فضیلت در این سفر روحانی که در خواب و بیداری، یا بیداری و خواب است و همچنان ادامه دارد تا به غور در آثار عرفا بپردازم.

به همین منظور بنده همیشه به مطالعه و پژوهش در آثار عرفانی علاقمند بوده و سرانجام موضوع پایان نامه نیز به لطف خداوند متعال و خوان کرم گسترده اش در همین زمینه انتخاب شد.

در کتاب مصیبت نامه، عطار در فصلی به نام «فی الصفات» به تعریف و تفسیر اصطلاحات عرفانی از دیدگاه خود می پردازد و ۱۰۱ واژه را شرح و تفسیر می کند و خواننده را بدین ترتیب قبل از اینکه به کتاب راه دهد، واژه نامه خاص خود را به او می نمایاند ولی در منطق الطیر و اسرارنامه این مقدمه و کلید را ابتدای کار ارائه نداده است. اما هرکجا که مناسبت و فرصتی یافته به شرح و تفسیر تعبیرات پرداخته است. همین مسأله و کشش به آثار عرفا به ویژه عطار توجهم را جلب نمود و مرا در این سفر به بیرون کشیدن تعبیرات و تنظیم الفبایی آنها تحریض کرد و به زندگی شور و حیات بخشید.

بنده، قصد ندارم که از عطار بگویم که مُشک خود می گوید و از عرفان هرگز جرأت گفتن ندارم که آنجا که عقاب پر بریزد از پشه لاغری چه خیزد.

آنچه لازم است در پیشگفتار بدان اشاره شود نحوه استخراج اصطلاحات است. عطار از شاعران و به ویژه عارفانی است که شناخت آرا و افکار او نیازمند کارهای پژوهشی است که متأسفانه بسیار کم صورت گرفته است.

ولی از آنجا که ترتیب دادن و مدوّن کردن کلیهّ تعبیرات نیازمند فرصت بیشتر بود و همچنین برای احتراز از افزایش حجم آن از بیان پاره ای از تعبیرات معذور بودم و فقط به ذکر و معرفی تعدادی از آنها بسنده کردم.

### روش استخراج اصطلاحات

- ۱- ابتدا اصطلاحات مسلّم صوفیه همچون عشق ، معرفت و ... استخراج شد.
  - ۲- مفاهیمی که در ردهّ دوم قرار می گیرند و صوفیه آنها را در کنار اصطلاحات مسلّم بکار برده اند همچون بخل و حسد و ... .
  - ۳- مفاهیمی که اصطلاح به شمار نمی آیند اما عطار بر آنها تأکید کرده و غالباً از بسامد بالا برخوردار است همچون درد ، غم و ... .
- لازم است در باب روش کار تحقیق در این پایان نامه گفته شود که ابتدا در ذیل هر واژه شواهدی از شعر و نثر از منابع مختلف مانند تذکرة الاولیاء ، صد میدان و کشف المحجوب و ... ذکر شد و نکتهّ دوم برای اجتناب از طولانی شدن کلام ، غالباً مواردی که ذکر شده که موضوع مورد نظر را روشن کرده و توضیح داده است و در انتها امیدوارم توانسته باشم عقبه ها را در این سفر روحانی یک به یک پشت سر گذاشته و به حظّ دستیابی به ثمرهّ روح بخش معرفت نائل آمده باشم.

## مقدمه

### معرفی موضوع :

هستم از بحر حقیقت دُر فشان ختم شد بر من سخن اینک نشان

در هر علمی اصطلاحات خاصی وجود دارد که می‌بایست شخصی که می‌خواهد از آن علم استفاده برد، ابتدا آن اصطلاحات را بداند چنان که در علم اصول، اصطلاحات « خاص، عام، مطلق و مقید» و ... به کار می‌رود و در منطق « موضوع، محمول، رابطه» و ... مورد استفاده قرار می‌گیرد.

بی‌تردید عرفان به عنوان یکی از علوم که در دامن فرهنگ اسلامی زاده شد و با هدف غایی نیل به حقیقت و معرفت شناختی و با پشت‌سر گذاشتن چند قرن تحول و تکامل، سرانجام در سده های ششم و هفتم به صورت یک مکتب کامل و مدوّن شکل گرفت. بنابراین عرفان اصطلاحات خاص خود را داراست. این اصطلاحات خاص مانند « وقت، قیام، حال، سر، کشف، توبه و ...» در بیشتر آثار عرفانی موج می‌زند و اگر خواننده با آنها آشنا نباشد، نمی‌تواند از این کتاب‌ها به نحو شایسته‌ای بهره برد. در واقع هر گروهی از علما اصطلاحات خاص خود را دارند که توسط آنها شناخته می‌شوند و با آگاهی از آن اصطلاحات، راه شناخت افکار آنان هموار می‌گردد به ویژه که عرفا نیز به رمز و راز سخن گفته‌اند بنابراین شناخت اصطلاحات آنان برای طالبان این علم واجب تر می‌گردد. (مظاهری، ۱۳۸۷: ۲۳)

درباره عرفان از دو جنبه می‌توان بحث و تحقیق کرد: یکی از جنبه اجتماعی و دیگر از جنبه فرهنگی. عرفا با سایر طبقات فرهنگی اسلامی از قبیل مفسرین، محدثین، فقها، متکلمین، فلاسفه، ادبا و شعرا یک تفاوت مهم دارند و آن این است که علاوه بر آن که آنها یک طبقه فرهنگی هستند و علمی به نام عرفان وجود آوردند و دانشمندان بزرگی در میان آنها ظهور کردند و کتب مهمی تألیف کردند، یک فرقه اجتماعی در جهان اسلام به وجود آوردند با مختصات مخصوص به خود، بر خلاف سایر طبقات فرهنگی از قبیل فقهاء و حکما و غیر هم که صرفاً طبقه فرهنگی هستند و یک فرقه مجزا از دیگران به شمار نمی‌روند.

اهل عرفان هرگاه با عنوان فرهنگی یاد شوند با عنوان «عرفا» و هرگاه با عنوان اجتماعی شان یاد شوند غالباً با عنوان «متصوفه» یاد می شوند. (مطهری، ۷۳: ۸۳-۸۴)

آنچه مسلم است این است که در صدر اسلام، لاقلاً در قرن اول هجری، گروهی به نام عارف یا صوفی در میان مسلمین وجود نداشته است. نام صوفی در قرن دوم هجری پیدا شده است که بنا بر روایت اولین کسی که به این نام خوانده شده است «ابوهاشم صوفی کوفی» که در قرن دوم هجری می زیسته است. صوفیه به دلیل زهد و اعراض از دنیا از پوشیدن لباس های فرم اجتناب می کردند و مخصوصاً لباس های درشت پشمین می پوشیدند.

همانطور که گفته شد در قرن اول هجری گروهی به نام صوفی وجود نداشته، این نام در قرن دوم پیدا شده و از قرن دوم تا دهم ما شاهد شکوفایی عارفان بزرگی هستیم. (همان، ۱۱۰ و ۱۱۱) یکی از اکابر درجه اول عرفا، شیخ فریدالدین عطار نیشابوری در قرن هفتم هجری است. عطار شاگرد و مرید شیخ مجدالدین بغدادی و از مریدان و شاگردان شیخ نجم الدین کبرا بوده است.

در شرح احوال و اقوال مشایخ تصوف به تازی و فارسی کتاب های مختلفی نوشته شده اما آنچه باید نوشته شود نوشته نشده است. زیرا معمولاً در این نوشته ها تنها به ذکر احوال و اعمال، بی آنکه توضیحی همراه داشته باشند تأکید می شود. چه بسا نکات عمیق فلسفی و اجتماعی که بر بیان این بزرگان جاری شده اما همچنان مکتوم باقی مانده است. این وضع، هنگامی که با عارف بزرگی چون عطار و آثار او به ویژه منطق الطیر مواجه باشیم، بسیار پیچیده تر می شود. شناخت افکار این بزرگان جز از راه تحلیل دقیق آثارشان امکان پذیر نیست.

عطار عمری را با صبر و تأمل و شکیبایی، با سوز و گدازی طاقت فرسا و رضا و تسلیمی که نصیب کمتر کسی می شود، پای در دامن همّت کشید و آثار بدیعی از خود به یادگار گذاشت که اگرچه در ردّ انتساب بسیاری از آثار دیگران به عطار با تحقیقات موثقی که صورت گرفته است هنوز ممکن است کسانی تردید داشته باشند ولی در انتساب الهی نامه، منطق الطیر، اسرارنامه، مصیبت نامه، مختار نامه، دیوان غزلیات و تذکرة الاولیاء به او هیچ شک و شبهه بی باقی نمی ماند.

از مهمترین آثار عطار، «منطق الطیر» اوست. این کتاب که عطار گاهی به این نام «منطق الطیر» و زمانی «مقامات طیبور» نامیده است و دیگران عنوان طیبور نامه هم به آن داده اند، از لحاظ لفظ و معنی در شمار دلکش ترین کتبی است که از این جنس در زبان و ادبیات فارسی تا به حال به جهانیان

عرضه شده است، مجموعه ای است از لطایف حکمی و نکات قرآنی و اشارات و عبارات اولیاء حق که در بهترین قالب الفاظ فارسی گنجانیده شده است.

مضمون این کتاب، یعنی حرکت جمع کثیری از مرغان جهان برای یافتن سیمرغ کوه قاف و پرواز دسته جمعی آنان به سوی قاف و مسجد اقصای دل و حتی نام «منطق الطیر»، قبل از عطار به وسیله دیگران در کسوت الفاظ و عبارات آمده است. «رسالة الطیر» ابوعلی سینا و حرکت اصناف مرغان از کوه عقاب «الموت» و رسیدن به ملک اعظم پس از گذشتن از هشت منزل پرخوف و خطر و تحمل مشقت و ناکامی های بسیار، و «رسالة الطیر» امام محمد غزالی که به نظر دکتر گوهرین سرمشق و دلیل و راهنمای عطار در سرودن «منطق الطیر» بوده است و حرکت دسته جمعی مرغان در «باب حمامة المطوقه» در کتاب کلیله و دمنه و قصیده «منطق الطیر» حکیم بدیل الدین خاقانی گواه بر این مدعاست.

تعبیر حقیقت مطلقه و با اصطلاح صوفیان «جان جان» به هر مرغی بی نام و نشان به نام سیمرغ و عنقا که نشیمن او در کوه قاف است و صوفیان از آن به دل و فؤاد تعبیر می کنند، نیز در اغلب آثار صوفیان و فلاسفه اشراقی مشرب آمده است. (عطار نیشابوری، ۱۳۸۵ منطق: ۱۶ و ۱۷)

تشبیه جان آدمی به مرغ و کالبد او به قفس و گرفتاری این مرغ بی اندازه که از جنس سیمرغ بی نام و نشان است در قفس تن و اشتیاق و آرزوی فرار او از این تنگنای بی امان را نیز در آثار فلاسفه عارف مشرب و سایر صوفیان می توان دید. اما باید اذعان کرد که هیچ یک از گذشتگان این مضامین دلکش و تعبیرات لطیف را نتوانسته اند مانند عطار در هم مزج کنند و معجون روح پرور و آدمی فریب چون «منطق الطیر» بسازند و تحویل اهل زمانه بدهند.

این کتاب آرایش است ایام را	خاص را داده نصیب و عام را
نظم من خاصیتی دارد عجیب	زانک هر دم بیشتر بخشد نصیب
آنچه من بر فرق خلق افشاند ام	گر نمانم تا قیامت مانده ام

و در مجموع، منطق الطیر عطار مجموعه ای است از لطیف ترین الفاظ فارسی و بلندترین افکار عارفانه و شیواترین تخیلات شاعرانه که به صورت دفتری شعر به گوهر فروشان معانی و صیرفیان بازار ادب عرضه شده است. (عطار نیشابوری، ۱۳۸۵ منطق: ۱۸)

اسرارنامه یکی دیگر از آثار عطار است ، که این اثر نیز به علت عمق مطالب و شرح غوامض تصوف یکی از امهات کتب این طایفه به شمار می رود . این همان کتاب است که به قول دولتشاه سمرقندی، هنگام مهاجرت بهاءالدین ولد پدر مولانا جلال الدین سنجدی از خراسان و عبورش از نیشابور، عطار به پسر او که در آن وقت شاید مراحل صباوت را می گذرانید هدیه کرد و مولانا در مثنوی خود از مضامین و حکایات آن بسیار استفاده کرده و صوفیان را نیز سال ها بلکه قرن ها یگانه انیس و راهنما بوده است. (عطار نیشابوری، ۱۳۳۸ اسرار : ۵)

### طرح مسأله

مسأله مهم در این پژوهش این است که اولاً تعابیر و اصطلاحات عرفانی چگونه تعریف می شوند؟ و در این دو کتاب (منطق الطیر و اسرارنامه) چه تعریفی دارند؟ ثانیاً کاربرد این اصطلاحات در دو کتاب نامبرده تا چه اندازه است؟ ثالثاً این تعابیر و اصطلاحات در دو کتاب نامبرده چگونه به یکدیگر مرتبط و تحلیل می شوند؟ و نتیجه تحلیل چیست؟

### فرضیه تحقیق

با توجه به شروع سیر عرفان از قرن دوم هجری و ادامه این روند تا قرن دهم ادبیات با چهره های عارف بزرگ مواجه است . در قرن هفتم ما شاهد شکوفایی عرفای بسیار بلند قدری هستیم که به نام یکی از این بزرگان، عطار نیشابوری ، بر می خوریم که او توانسته به اندازه نسبتاً بالایی بر شاعران عارف بعد از خود تاثیر بگذارد.

همچنین مضامین عرفانی که او در این دو اثر (منطق الطیر و اسرارنامه) به کار برده کمال پختگی و انسجام را داراست و ابیاتش بعد از او مورد استفاده قرار گرفته و ما کاربرد این مضامین را در آثار عرفانی بعد از او خصوصاً در مثنوی کاملاً مشاهده می کنیم و انعکاس این مضامین در این دو اثر بسیار زیاد است و این نشان دهنده اوج تعالی او در عرفان و هنرش در خلق آثار عرفانی است.

### پیش زمینه تاریخی

شاید بتوان گفت که متأسفانه در زمینه بررسی و تحلیل تمامی مضامین مهم و برجسته عرفانی در این دو کتاب، محقق به اثر مستقلی دست نیافت. و به عبارتی به جز دو یا چند کتاب که منحصراً این مفاهیم را در آثار عطار بررسی کرده باشند ، مدرک و سندی وجود نداشت ، به ویژه در مورد کتاب اسرارنامه که



حتیٰ عدۀ کثیری آنرا شاید حتیٰ ندیده اند . متأسفانه این مسأله از موانعی بود که بر سر راه تحقیق وجود داشت هر چند مشک آن است که خود ببوید ، نه آن که عطار بگوید.

ولی به جرأت می توان گفت که کتاب مصطلحات عرفانی و مفاهیم برجسته در زبان عطار اثر دکتر سهیلا صارمی از مهمترین منابع و راهگشای من در این زمینه بود و فرهنگ موضوعی اسرارنامه و هیلاج نامهٔ شیخ فریدالدین عطار نیشابوری از قادر فاضلی عنوان کتاب دیگری است که در این زمینه نوشته شده است که البته این کتاب صرفاً به طبقه بندی موضوعات کتاب اسرارنامه می پردازد. تعبیرات عرفانی از زبان عطار نیشابوری تألیف عبدالکریم جریزه دار نیز کتاب دیگری بود که می توان گفت که این سه کتاب کاربرد این مفاهیم را در کلیهٔ آثار عطار و نه صرفاً فقط در این دو کتاب بررسی می کنند را در این زمینه منحصرأ در اختیار داشتم، البته پایان نامه ای تحت عنوان فرهنگ واژه نمای منطق الطیر عطار به انضمام فرهنگ بسامدی که به راهنمای دکتر محمدعلی گذشتی و توسط خانم معصومه پزشکیان مکتوب شده مورد بررسی قرار گرفت که از روی عنوان مشخص می شود که این پایان نامه نیز فقط در مورد منطق الطیر و بعد راجع به کل واژه های این کتاب است نه فقط عرفانی. البته در مورد کتاب منطق الطیر به ویژه و اسرارنامه پایان نامه های متنوع و خوبی از جمله شرح ابیات مشکل منطق الطیر و توضیح پاره ای از اصطلاحات فلسفی ، کلامی به راهنمایی دکتر بیات در دانشکده ادبیات دانشگاه علامه شکل گرفته است.

### **ضرورت و اهمیت تحقیق**

همانطور که در قبل گفته شد عرفا به رمز و راز سخن گفته اند . بنابراین ، شناخت اصطلاحات آنان برای خوانندهٔ این علم واجب تر می گردد . یکی از دلایل رمز و رازگویی آنها این است که شخص عارف در معرض تجربهٔ اشراقی است و در حال فنا با چشم دل به شهود ادراکات غیر مادی می پردازد که در مقولهٔ مفاهیم و الفاظ داخل نمی شود. بدون طی طریق و سیر و سلوک و گشوده شدن چشم دل ، آن مفاهیم ، رمز آلود است. الفاظ ، محصول انسان است و طبعاً لفظ به حوزه محسوسات و مدرکات متعارف محدود گشته است . پس اصولاً وضع الفاظ با حوزهٔ حالات و تجربه های عرفانی بی ارتباط است چنانچه شیخ محمود شبستری می گوید : «معانی ذوقی در تعابیر لفظی نگنجد» (مظاہری ، ۱۳۸۷ : ۲۳)

هر آن معنی که شد از ذوق پیدا                      کجا تعبیر لفظی یابد او را

یکی دیگر از دلایل رمز و رازگویی این است عارف پوشیده و ذووجهین سخن می گوید تا اهل ظاهر وجهی از آن را بیابند، در حالی که مراد آنان وجهی دیگر باشد، اهل ظاهر این را نقص عارف می دانند. در حالی که مراد او آن است که از هر منزل و مقامی گذر نموده و در حقیقت به فنای رسم او رسیده است.

عارف بر احوال خود غیرت می ورزد و آن را از خلق پوشیده می دارد. (همان، ۲۴)

### هدف تحقیق:

مقصود و خلاصه از جملگی آفرینش، وجود انسان است و اگر نظر تمام افتد بازبیند که خود همه وجود انسان است.

جهان را بلندی و پستی تویی                      ندانم کیی هرچه هستی تویی

و مقصود از وجود انسان معرفت ذات و صفات حضرت خداوندی است و معرفت حقیقی جز از انسان درست نیامد، چرا که انسان در تحمل سنگینی بار امانت از جملگی کاینات ممتاز گشت ... از اینها (ملک و جن) درست نیابد بار امانت معرفت کشیدن آلا از انسان، از بهر آنکه از جملگی آفرینش مقصود نفس انسان بود، که آینه جمال تمامی حضرت الوهیت خواست بود، خلاصه نفس انسان، دل است و دل، آینه است. ولیکن تا نفس انسان به کمال آینگی رسد مسالک و مهالک بسیار قطع باید کرد و آن جز به واسطه سلوک بر جاده شریعت و طریقت و حقیقت دست ندهد. (نجم رازی، مقدمه، ۱۳۷۳)

علم عرفان، هر وقت حقیقت و ارزش انسانها لگدمال شده سرباز کرد و روح های خسته را در خود به آرامشی نسبی رسانیده است. عرفان محصول دردهاست ولی همانطور که گفته شد علم عرفان نیز مانند سایر علوم دیگر اصطلاحات خاص خود را داراست. عطار نیز به عنوان شاعر عارف از این مضامین عرفانی در آثار خود بخصوص در منطق الطیر فراوان استفاده کرده است و یا به عبارتی کاربرد این مضامین را به زیبایی هر چه تمام تر در آثار عطار مشاهده می کنیم و از آنجا که به لحاظ تاریخی و هم ادبی، شعر عطار بعد از شعر سنایی دومین اوج شعر عرفانی فارسی است و پس از عطار شاعران عارف دیگر نیز بخصوص بلندترین قلّه شعر عرفانی، جلال الدین مولوی وجود دارند لازم است تا با این اصطلاحات در آثار او یعنی اسرارنامه و به ویژه منطق الطیر آشنا شد تا به راحتی آثار شاعران عارف بعد از او را فهمید.

## روش تحقیق

در نگارش این پایان نامه از «روش کتابخانه‌ای» استفاده شده است، بدین ترتیب که ابتدا تمامی اصطلاحات عرفانی با توجه به کتابهایی که این اصطلاحات را شرح و توضیح داده‌اند که از جمله مهمترین آنها فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی تألیف دکتر سید جعفر سجّادی است استخراج و فیش برداری شد و بعد از این مرحله فیش‌ها به ترتیب حروف الفبا، الفبایی و مرتب شدند سپس به روش تعریفی (definitive) و با استفاده از منابع موجود در این زمینه تمامی مضامین تعریف شدند و در نهایت بر اساس روش نظری و فلسفی به تجزیه و تحلیل این مضامین و دیدگاه‌های مربوط به آن پرداخته شد باید گفته شود که این پایان نامه در واقع تلفیقی است از روش‌های تعریفی و توصیفی و نظری.

## طرح مفاهیم اختصاصی

### عرفان چیست و عارف کیست؟

فرق انسان با حیوان در این است که آدمی، توانایی نفوذ به حقیقت اشیاء و کشف اسرار و قوانین حاکم بر جهان هستی را در خود سراغ دارد اما اینکه از عهده چنین امر خطیری بر می‌آید یا نه، سوالی است که اگر چه بعضی از شکاکان «لاادریان» به آن پاسخ منفی داده‌اند، اما جواب بیشتر متفکران و حقیقت‌جویان مثبت است.

حقیقت‌جویان، برای دست یافتن به اسرار هستی به طور کلی از دو راه بهره گرفته‌اند. آنان که عقل و استدلال را یگانه تکیه‌گاه آدمی در نیل به اسرار هستی می‌دانند، فیلسوف نام دارند در مقابل ایشان عدّه‌ای دیگر که عارفانند عقل و استدلال را از نفوذ به باطن هستی و کشف اسرار در رموز آن ناتوان می‌شمارند. به عبارت دیگر، «عارف» حواس و اندیشه بشری را در فهم ظاهر عالم، ابزار شایسته‌ای شمرده، ولیکن، آنها را در نفوذ به ماوراء زمان و مکان و درک حقایق ازلی ناتوان می‌دانند.

عارف، وصول به حقیقت را تنها از طریق «سیر و سلوک» و «فنا» و «شهود» ممکن می‌داند. در واقع «علوم حقیقی» همچون معرفت مبدأ و معاد، راز آفرینش، حقایق فوق‌زمان و مکان، ارزیابی دنیا، موقعیت وجودی انسان محصول بصیرت باطن و کشف شهود است که جز با مجاهده و سیر و سلوک، نمی‌توان به آنها دست یافت.

بی‌تردید عرفان، مکتبی است پیشتاز و عارف، انسانی است عالی‌همت و بلند پرواز، زیرا از دیدگاه معرفت‌شناختی، عارف می‌خواهد به حقیقت «رسیده» و با آن متحد شده و در آن «فانی» گردد.

غایت عرفان چیزی جز «حق‌الیقین» نیست. «عارف» جز به معشوق حقیقی به چیزی نمی‌اندیشد.

(یثربی، ۱۳۸۱: ۱۶-۱۷)

## رمز

رمز یک کلمه عربی است از رَمَزَ ، يَرْمُزُ و يَرْمِزُ ، رمزاً الیه به او اشاره کرد. پس معنی لغوی واژه اشاره کردن با دست ، ابرو ، چشم ، اشارت کردن پنهانی ، راز ، نشانه ، علامت و ... است که وجه شباهت همه این معانی در عدم صراحت و پوشیدگی است . در بیان رمز باید گفته شود که رمز از انواع کنایه محسوب می شود که وسائط در آن خفی است به طوری که می توان گفت اصلاً نمی توانیم وسائط را دریابیم و در نتیجه انتقال از معنی ظاهر به باطن دشوار و گاهی غیر ممکن است و فهم ممکنٌ عنه دیرباب است. لذا رمز، را به عنوان یک نشانه ، یک لغت باید تلقی کنیم.

## تمثیل

بیان حکایت و روایتی که هر چند معنای ظاهری دارد اما منظور گوینده معنای کلی تر دیگری است . واژه تمثیل جنبه سمبل و رمز دارند با این تفاوت که سمبل یا رمز بیشتر در واژه رخ می دهد اما تمثیل در سطح جمله و کلام رخ می دهد . هدف از تمثیل اغلب نمودار کردن خوب و بد زندگی آموزش طریق رسیدن به درجات عالی و سعادت و رستگاری بر مبنای نقش نویسنده به خواننده است .

## کوه قاف

ممکن است با کوه البرز در ارتباط باشد و اساطیر مربوط به آن از البرز سرچشمه گرفته باشد . کوه البرز کوهی است مذهبی و مینوی. این کوه در شاهنامه جایگاه سیمرغ است که زال را در این کوه می پرورد ولی بعد این کوه در متون عرفانی به کوه قاف تغییر نام می دهد و معنای عرفانی می یابد. باز هم همانند شاهنامه این کوه جایگاه سیمرغ است اما این سیمرغ معنای عرفانی یافته است. همه سعی و تلاش سالک صرف رسیدن به آن می شود اما رسیدن به این مکان بدون گذر از عقبه ها و گردنه های سخت و دشوار، غیر ممکن است و سالک ناگزیر از همراهی با مردی راه دان و خضر صفت که او را به سر منزل مقصود می رساند و به قول حافظ :

من به سرمنزل عنقا نه به خود بردم راه      قطع این مرحله با مرغ سلیمان کردم

## سیمرغ

همچون کوه قاف و البرز در حماسه و عرفان به کار رفته به آن عنقا هم می گویند. در اوستا لانه سیمرغ بر بالای درختی است.